

فصلنامه‌ی علمی- پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت

سال دوم- شماره‌ی ۴، پیاپی ۸- زمستان ۹۰

صص ۷۵-۵۵

تجارب زیسته متخصصان علوم تربیتی از برنامه درسی تربیت

شهروندی فعال برای دوره راهنمایی تحصیلی

عباس قلاتاش*^۱، مسلم صالحی^۲، اطهر مرادی^۳

تاریخ دریافت: ۹۰/۰۵/۰۶ تاریخ پذیرش: ۹۰/۰۹/۱۷

چکیده

پژوهش حاضر با هدف سنجش تجارب زیست شده متخصصان علوم تربیتی از برنامه درسی تربیت شهروند فعال برای دوره‌ی تحصیلی راهنمایی در کشور ایران انجام گرفته است. این پژوهش یک پژوهش کیفی از نوع تجربه زیست شده یا همان پدیدار شناختی بوده است. شرکت‌کنندگان در این پژوهش شامل متخصصان علوم تربیتی کشور بوده که مطالعاتی در حوزه‌ی تربیت شهروندی داشته‌اند. روش نمونه‌گیری با استفاده از تکنیک گلوله برفی انجام گرفته که در مصاحبه‌ی با ۶ نفر متخصص آغاز شده و تا زمان اشباع اطلاعات ادامه پیدا کرد. جمع‌آوری اطلاعات، به‌وسیله‌ی مصاحبه‌ی نیمه ساختار یافته توسط دستگاه ضبط صدا انجام شده و داده‌ها با رویکرد توصیفی- تفسیری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. از مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش، تدوین چهارچوب برنامه‌ی درسی شهروندی فعال با استفاده از مدل کلایزی می‌باشد که حداقل ۴ عنصر اهداف، محتوا، روش تدریس و شیوه‌های ارزشیابی برنامه درسی تربیت شهروندی فعال برای دوره تحصیلی راهنمایی را پوشش می‌دهد. در عنصر اهداف، رئوس هدف‌های تربیت شهروندی فعال در سه حیطه‌ی شناختی، عاطفی و روان حرکتی مطرح شده است. همچنین در عنصر محتوا نیز تاکید صاحب- نظران بر لحاظ کردن موضوعات و مصادیقی بوده که به کسب دانش، نگرش و توانش در حوزه‌ی شهروندی فعال منجر شود و در عنصر روش‌های تدریس نیز بر روش‌های فعال و مشارکتی تاکید شده است. در رابطه با عنصر ارزشیابی نیز بر تلفیقی از شیوه‌های ارزشیابی کیفی و کمی، بر خود ارزشیابی و ارزشیابی مستمر به- عنوان شیوه‌های ارزشیابی مطلوب برای تربیت شهروندی فعال تاکید شده است.

واژه‌های کلیدی: برنامه درسی، تربیت شهروندی، شهروند فعال، دوره راهنمایی.

۱- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مرودشت، گروه علوم تربیتی .

۲- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مرودشت، گروه علوم تربیتی

۳- کارشناس ارشد برنامه ریزی درسی

* نویسنده مسئول: agholtash@miau.ac.ir

مقدمه

یکی از وظایف اساسی هر نظام آموزشی، تربیت شهروندانی موثر، آگاه و مسئولیت‌پذیر می‌باشد که در جهت اهداف و مقاصد جامعه‌ی خویش قدم برداشته و برای تعالی آن بکوشند. در گذشته، نیازهای فردی و محلی مورد توجه بوده است؛ ولی با گذشت زمان، نیازهای انسانی از مرزهای فردی و محلی فراتر رفته و به طریقی در ارتباط با سایر جوامع، نیازهای مشترک پیدا شده و در نتیجه دغدغه‌ی نظام‌های آموزشی دامنه‌ی گسترده‌تری پیدا کرده است. تا جایی که در عصر جهانی شدن، انسان‌ها نیازهای مشترک پیدا کرده و بدون تأثیر از جامعه‌ی جهانی و حوادث مربوط به آن، زیستن جمعی برای جوامع امکان‌پذیر نمی‌باشد (Kiely, 1998). از طرفی نیز با گسترش دامنه‌ی اطلاعات و ارتباطات در عصر انفجار اطلاعات، آموزش همه‌ی اطلاعات به فراگیران حتی در تخصصی‌ترین نوع آن، امکان‌پذیر نیست، در نتیجه تعلیم و تربیت برای تربیت شهروندی با فرایند‌گزینش اطلاعات مواجه خواهد بود تا فراگیر بتواند در فرایند جهانی شدن با حفظ اقتضائات محلی، به امکان بهره‌گیری مثبت از اطلاعات به‌عنوان یک شهروند خود-راهبر دست پیدا کند. بنابراین اگر جامعه به شهروندان مفید و موثر نیاز دارد، پس باید مطمئن شود که این شهروندان از طریق فرصت‌هایی برای اکتساب مهارت‌ها و توانایی‌ها و اطلاعات ضروری تربیت می‌شوند.

تربیت شهروندی یک حوزه‌ی وسیع بوده و در برگیرنده‌ی رویکردها و دیدگاه‌های مختلف و متنوعی می‌باشد. رویکردهای مطرح در تربیت شهروندی عبارت از رویکرد تربیت شهروندی فعال و رویکرد تربیت شهروندی منفعل می‌باشد.

در رویکرد فعال، جنبه‌ی تربیت شهروندی فعال، تدارک‌دهنده‌ی فرصت‌هایی برای فراگیران جهت درگیری و مشارکت فعال به‌عنوان عضوی از مدرسه و اجتماع بزرگ‌تر است (Kerr & Cleaver, 2004) و به بررسی موضوعات مهم روز و اشاعه فرهنگ مشارکت‌جویی در اصلاح جامعه در سطح محلی، ملی و حتی جهانی کمک می‌کند (Sears Hebert, 2005). از این جنبه یا رویکرد در تربیت شهروندی، تحت‌عنوان «تربیت برای شهروندی» نیز یاد می‌شود. در این خصوص (Kerr, 2002) از «تربیت از طریق شهروندی» نیز یاد می‌کند که به‌گونه‌ای از جهت‌گیری فعال در تربیت شهروندی حکایت دارد. تربیت از طریق شهروندی، یادگیری دانش‌آموزان از طریق اقدامات و مشارکتی که در مدرسه و جامعه محلی اتفاق می‌افتد، می‌باشد.

ولی در رویکرد منفعل، شهروند عمدتاً نقش منفعلی را داراست و طی جریان جامعه‌پذیری که به‌ویژه به‌وسیله‌ی نهادهای تربیتی و خانواده انجام می‌شود، به‌سوی وفاداری به کشور و دولت خود ترغیب می‌گردد. عمده موضوعات مطروح شده در این رویکرد، پراختن به تاریخ و سنت‌های ملی است. نظام آموزشی سنتی نیز مشارکت سیاسی و فعالانه در جامعه را مدنظر قرار نداده و از انواع بی‌عدالتی‌های اجتماعی، حمایت می‌کند. مدارس سنتی براساس اصول دموکراتیک مدیریت نمی‌شوند و درحقیقت، محیطی را ایجاد می‌نمایند که در آن دانش‌آموزان رفتارهایی که برخلاف مشارکت دموکراتیک است را یاد بگیرند، از این رویکرد تحت‌عنوان «تربیت درباره‌ی شهروندی» نام برده می‌شود (Kerr, 2002).

در نظام آموزش و پرورش کشور ایران، برنامه‌ی درسی مدارس یکی از اساسی‌ترین منابع و مراجع یادگیری دانش‌آموزان محسوب شده و اکثر فعالیت‌ها در چارچوب برنامه‌های درسی انجام می‌گیرد. بدون شک تدوین برنامه درسی تربیت شهروندی که متأسفانه در کشور ما چندان مورد توجه و تأکید نمی‌باشد، نیاز به مطالعات نظری و میدانی بسیار دارد تا چستی و چگونگی آن با دقت و ظرافت بیشتری مشخص گردد، لذا این پژوهش با تأکید بر رویکرد فعال سنجش تجارب زیست شده‌ی متخصصان علوم تربیتی که مطالعاتی در حوزه‌ی تربیت شهروندی داشته‌اند را مدنظر قرار داده است.

این پژوهش تمرکز خود را بر دوره‌ی راهنمایی که از دوران مهم و تأثیرگذار در روند آموزشی دانش‌آموز است، معطوف داشته است. در این دوره‌ی تحصیلی، دانش‌آموزان از لحاظ ویژگی‌های عاطفی، اخلاقی، شخصیت و ... متفاوت از سایر دوره‌ها هستند. دانش‌آموزان با ورود به این دوره، پدیده‌ی بلوغ را تجربه نموده و با تغییرات شگرفی در ابعاد شخصیت خود مواجه خواهند شد که نیاز به ارشاد و هدایت بیشتری خواهند داشت.

پیشینه‌ی تحقیق

دیب‌ا (Diba, 2003) پژوهشی تحت عنوان «بررسی ویژگی‌های شهروند خوب برای جامعه‌ی ایران و میزان انطباق آن با برنامه‌های درسی» انجام داده و در پایان این پژوهش نتیجه‌ای که گرفت، نه در ارتباط با مطالعات اجتماعی بلکه کل برنامه‌های درسی، این بود که میزان توجه به تربیت شهروندی در کتابهای درسی، در سطح چندان مطلوبی قرار ندارد و در ایران، عمدتاً تأکید بر افزایش آگاهی و شناخت شهروندان تا افزایش توانایی و ارتقای نگرش‌ها است.

در زمینه‌ی اهداف برنامه درسی شهروندی، پژوهشی توسط یاوری (Yavari, 2010) تحت عنوان «تدوین اهداف برنامه‌ی درسی تربیت شهروندی در دوری متوسطه» انجام گرفته که نتیجه‌ی این پژوهش نشان‌دهنده‌ی تجارب متفاوت صاحب‌نظران پیرامون اهداف برنامه‌ی درسی در دوری متوسطه بوده که این برنامه باید در حوزه‌ی آموزش شهروندی مورد استفاده‌ی متولیان امر تعلیم و تربیت قرار گیرد.

قائدی (Ghaedi, 2006) در مقاله‌ای پژوهشی تحت عنوان «تربیت شهروند آینده» بیان می‌دارد که تربیت شهروند آینده از ۳ پدیده‌ی جهانی شدن، ارزش‌های دموکراتیک و فناوری اطلاعات متأثر است. به‌همین لحاظ می‌توان گفت، شهروند آینده باید حداقل ۳ خصوصیت جهانی، دموکراتیک و فناوری را داشته باشد.

قلتاش (Gholtash, 2009) در پژوهشی تحت عنوان «نقد و بررسی رویکردهای تربیت شهروندی در برنامه‌ی درسی دوری ابتدایی ایران به‌منظور پیشنهاد برنامه درسی تربیت شهروندی» به بررسی رویکردهای فعال و محافظه‌کار پرداخته و دلالت‌های هر رویکرد را برای عناصر برنامه درسی مشخص نمود و سپس برنامه‌ی درسی دوری ابتدایی را با تأکید عناصر اهداف دوره، محتوا و کتب درسی دوره، شیوه‌های تدریس و ارزشیابی مورد نقد و بررسی قرار داد. در نتایج این تحقیق تأکید شده است که تربیت شهروندی فعال در برنامه‌ی درسی مورد بررسی دوری ابتدایی مورد غفلت قرار گرفته است.

پاتریک (Patrick, 2000) پژوهشی با هدف مشخص نمودن میزان برخورداری جوانان آمریکایی از حیثه‌های شهروندی انجام داده است. نتایج این تحقیق بیانگر این بود که دانش‌آموزان دبیرستان از دانش کمی درباره‌ی حقوق و مسئولیت‌های شهروندی، دولت و ساختار آن برخوردار بودند.

پژوهش حاضر به تجارب زیست شده‌ی متخصصان علوم تربیتی از برنامه‌ی درسی تربیت شهروند فعال در دوری راهنمایی ایران پرداخته است. این مهم که به‌زعم صاحب‌نظران، برای تدوین برنامه‌ی درسی تربیت شهروندی فعال در دوری راهنمایی در عناصر گوناگون آن (اهداف، محتوا، روش‌های تدریس، شیوه‌های ارزشیابی و...) انجام گرفته و چه مولفه‌ها، مفاهیم و روش‌هایی را باید در نظر گرفت، از اهداف اساسی این پژوهش بوده است.

سوال‌های پژوهشی:

سوال کلی: چارچوب برنامه‌ی درسی تربیت شهروند فعال چگونه است؟

سوال‌های ویژه:

- رئوس اهداف تربیت شهروندی فعال برای دوره‌ی راهنمایی تحصیلی چه می‌باشند؟
- رئوس محتوای مطلوب برنامه‌ی درسی تربیت شهروند فعال چه می‌باشد؟
- روش‌های مطلوب تدریس و ارزشیابی برنامه‌ی درسی تربیت شهروند فعال چه می‌باشد؟
- مهم‌ترین اصول برنامه‌ی درسی تربیت شهروند فعال چه می‌باشد؟

روش تحقیق

پژوهش حاضر یک پژوهش کیفی از نوع تجربه‌ی زیست شده یا همان پدیدار شناختی بوده است. پدیدارشناسی پژوهشی درباره‌ی پدیده‌هاست، آن‌گونه که بر افراد جلوه‌گر می‌شود.

در این پژوهش پدیده‌ی مورد مطالعه، برنامه‌ی درسی تربیت شهروندی فعال است. شرکت‌کنندگان در این پژوهش شامل متخصصان علوم تربیتی کشور که مطالعاتی در حوزه‌ی تربیت شهروندی داشته‌اند، بوده‌اند. در این پژوهش از مصاحبه‌ی نیمه‌ساختار یافته برای گردآوری اطلاعات استفاده شده است. داده‌های این پژوهش، داده‌های کیفی و مبتنی بر مصاحبه بوده است. برای تحلیل آنها از رویکرد توصیفی- تفسیری استفاده شده است. در این پژوهش، جهت مصاحبه ۵ سؤال اصلی مرتبط با برنامه‌ی درسی تربیت شهروندی وجود داشته و چند سؤال فرعی نیز در جریان مصاحبه جهت تعمیق اطلاعات مطرح شده است. نمونه‌گیری در این تحقیق با استفاده از تکنیک گلوله برفی انجام شده است. مدت زمان هر مصاحبه حدود ۹۰ تا ۱۲۰ دقیقه بنا بر فرصت و تمایل شرکت‌کنندگان متغیر بود. در جدول زیر مصاحبه‌شوندگان شرکت‌کننده در این مصاحبه همراه با مشخصات آنها آورده شده است.

جدول ۱- مشخصات مصاحبه‌شوندگان

کد	سن	تحصیلات	جنسیت	مرتبه علمی
۱	۳۲	دکترای تخصصی برنامه ریزی درسی	مرد	استادیار
۲	۵۳	دکترای فلسفه تعلیم و تربیت	مرد	استادیار
۳	۴۵	دکترای برنامه ریزی درسی	مرد	استادیار
۴	۳۸	دکترای برنامه ریزی درسی	زن	استادیار
۵	۴۸	دکترای برنامه ریزی درسی	مرد	استادیار
۶	۳۵	دکترای برنامه ریزی درسی	زن	استادیار

یافته‌های به دست آمده در پژوهش با استفاده از مدل کلایزی^۱ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. در تحقیقات کیفی روایی داده‌ها به میزانی که یافته‌های تحقیق بیانگر واقعیت باشد اطلاق می‌گردد. محقق برای اطمینان یافتن از صحت مطالب، مفاهیم کلی مستخرج را به رویت شرکت‌کنندگان و اساتید راهنما و مشاور رساند که از سوی آنها مورد تأیید قرار گرفت.

برای تعیین پایایی نیز از آنجایی که در تحقیقات کیفی پایایی، داده‌ها به روایی نزدیک هستند؛ در این پژوهش، پژوهشگر مصاحبه‌ی مجدد با سه نفر از صاحب‌نظران انجام داده و نتیجه نیز مانند قبل به دست آمد؛ یعنی هر سه نفر حدود ۹۰٪ از اندیشه‌های خود را در مصاحبه‌ی قبلی مورد تأیید قرار دادند.

یافته‌های تحقیق

با توجه به خلاصه‌ی اندیشه‌ی صاحب‌نظران پیرامون عناصر برنامه درسی، به پاسخ‌گویی سئوالات تحقیق راجع به تدوین برنامه‌ی درسی تربیت شهروندی فعال در دوره‌ی راهنمایی می‌پردازیم:

سوال ۱: چارچوب برنامه‌ی درسی تربیت شهروندی فعال چگونه است؟

در بحث برنامه‌ی درسی برای تربیت شهروند فعال در عناصر گوناگون آن، باید رویکرد فعال را در نظر گرفت. در بحث اهداف برای تربیت شهروند فعال باید در سه حیطه‌ی شناختی، عاطفی و روان-حرکتی صورت گیرند.

همان‌طور که همه‌ی مصاحبه‌شوندگان این موضوع را تأیید کرده‌اند، به‌طورمثال مصاحبه‌شونده‌ی شماره دو نظر خود در این زمینه را «فرد تربیت شده به‌عنوان یک شهروند باید تکالیف و وظایف خودش را نسبت به حکومت و دولت بداند، در حیطه عاطفی، بحث نگرش‌هاست. اینکه فرد تربیت شده به‌عنوان یک شهروند باید نگرش مثبت و صحیحی نسبت به حقوق و وظایفش در رابطه با سه گروه افراد، گروه‌ها و دولت داشته باشد و در حیطه‌ی روان-حرکتی، فرد باید مهارت‌های لازم را در ارتباط با چگونگی تأمین حقوق خودش و ... کسب کرده باشد» اعلام می‌دارد.

مصاحبه‌شونده‌ی شماره ۴ نیز بیان داشته که «اهداف باید در برگیرنده‌ی این خصوصیت در افراد باشد، فرد متعهد، آگاه، خلاق، مسئولیت‌پذیر و ... که تمامی این موارد را باید در هر سه حیطه در نظر گرفت، یعنی فرد بداند، علاقه‌مند به اجرا باشد و عملاً هم اجرا کند.» در بحث محتوای برنامه درسی تربیت شهروندی فعال، مصاحبه‌شونده‌ی شماره

۱ بیان کرده که «محتوا باید تدارک‌دهنده‌ی فرصت‌های مشارکت، همگام شدن با تحولات و کسب پتانسیل‌های ایجاد تغییر و نوآوری باشد».

مصاحبه‌شونده‌ی شماره ۳ در رابطه با محتوای شهروند فعال بیان کرده که «در کتاب علوم اجتماعی بحث حقوق شهروندی باید مطرح شود و در بحث کتاب‌های دینی، باید در بخش عمده‌ای از مباحث دینی به ترتیب شهروندی پرداخته شود و در محتوای سایر دروس هم باید به این بحث پرداخته شود». مصاحبه‌شونده‌ی شماره ۴ نیز به همین موضوع اشاره کرده و می‌گوید «بحث تربیت شهروندی حوزه‌های گوناگون اقتصادی و فرهنگی و ... را در برمی‌گیرد و در همه کتابها باید وجود داشته باشد».

تمامی مصاحبه‌شوندگان به کار بردن برنامه درسی میان رشته‌ای را در جهت مبحث تربیت شهروند فعال مفید و مؤثر دانسته‌اند.

در بحث روش‌های تدریس برای تربیت شهروندی فعال، باید به روش‌های تدریس فعال و مشارکتی پرداخته شود. همان‌طور که همه‌ی مصاحبه‌شوندگان به این مهم اشاره کرده‌اند. از جمله مصاحبه‌شونده‌ی شماره ۶ بیان داشته است: «به نظر من، روش‌های مشارکتی و فعال که در آن دانش‌آموز درگیر یادگیری می‌شود و در تعامل با سایر دانش‌آموزان و معلم است، بسیار مفید است».

مصاحبه‌شونده‌ی شماره ۴ نیز در این زمینه بیان داشته است: «هم از روش‌های مستقیم، دادن آگاهی، سخنرانی و پرسش و پاسخ، گروهی، بازدید از سازمان‌های مختلف جامعه و ... باید استفاده شود».

در مبحث شیوه‌های ارزشیابی برای تربیت شهروندی نیز، روش‌های کیفی، ارزشیابی مستمر و تکوینی، خودارزشیابی می‌تواند بسیار مفید باشد.

مصاحبه‌شونده‌ی شماره ۱ در این زمینه بیان داشته که «در تربیت شهروندی، بایستی هم برنامه‌های درسی تربیت شهروندی مورد ارزیابی قرار گیرند و هم عملکرد شهروندی مخاطبان برنامه یعنی یادگیرندگان مورد ارزیابی قرار گیرند؛ در ارزشیابی عملکرد شهروندی نیز مطلوب است که رویکردهای کیفی و توصیفی مطرح و موجود به کار گرفته شوند؛ چون در این رویکردها، اولاً ارزشیابی فقط محدود به یک آزمون یا ارزیابی پایانی نیست؛ ثانیاً تلاش می‌شود از انواع ابزارها و روش‌های مفید ارزشیابی استفاده شود. ثالثاً خودارزشیابی، ارزشیابی تکوینی و ... نیز مورد تأکید است».

مصاحبه‌شونده‌ی شماره ۵ نیز در این زمینه بیان داشته است: «ارزشیابی مدادی- کاغذی کاربرد کمتری دارد، ما به دنبال ارزشیابی‌های توانمندساز هستیم؛ یعنی

فرد بتواند فراگرفته‌هایش را در زمینه‌ی تربیت شهروندی بروز دهد و ما بتوانیم فرد را در فرآیند ارزشیابی توانمندتر کنیم.»

مصاحبه‌شونده‌ی شماره ۴ نیز در این زمینه بیان کرده که: «ارزشیابی قسمتی از آن نمره‌ی درس به‌صورت کتبی است؛ اما یک قسمتی حل مسائل اجتماعی می‌تواند باشد، یعنی ارائه‌ی مسئله‌ی اجتماعی به دانش‌آموزان و از آنها بخواهیم پیشنهادات خود را درباره‌ی مسئله بدهند» و سایر مصاحبه‌شوندگان ۲، ۳، ۶ نیز به روش‌هایی که مصاحبه‌شوندگان بالا به آن اشاره کرده‌اند، معتقد هستند.

در کنار عناصر برنامه‌ی درسی، عوامل دیگری نیز در تربیت شهروندی فعال دخیل هستند. از جمله نباید نقش معلم که اجراکننده‌ی برنامه‌ی درسی است و نقش دانش‌آموز و محیط و فضای آموزشی را نادیده گرفت. در جداول زیر به خلاصه‌ای از اندیشه‌های صاحب‌نظران پیرامون عوامل فوق اشاره گردیده است. حتی نقش آموزش و پرورش و دولت در تربیت شهروند فعال را نباید نادیده گرفت؛ زیرا پشتیبانی و حمایت آموزش و پرورش و دولت در رسیدن به شهروند فعال بسیار مهم و کارساز خواهد بود. به‌خصوص از آنجایی که آموزش و پرورش ایران به‌صورت متمرکز است و تصمیمات توسط دولت اخذ می‌گردد، با این وجود تربیت شهروند فعال امکان‌پذیر نخواهد بود. پس نیاز به ایجاد تغییراتی در نوع آموزش و پرورش کشورمان و حرکت آن از متمرکز به سمت نیمه‌متمرکز الزامی است تا تربیت شهروند فعال در چنین آموزش و پرورش امکان‌پذیر شود. زیرا اگر افراد تصمیم‌گیرنده در برنامه‌ی درسی و آموزشی افراد متخصص و شایسته و صاحب علم و علاقه برای تربیت شهروندی فعال باشند، آنها می‌توانند رسیدن به این مهم را هموارتر نمایند. حال با توجه به مطالب گفته شده، نمودار بالا ساختار و چارچوبی را برای برنامه‌ی درسی تربیت شهروندی فعال پیشنهاد می‌کند.

جدول ۲- جدول خلاصه اندیشه‌های صاحب‌نظران درباره‌ی نقش معلم، دانش‌آموز

و فضای آموزشی و ... در تربیت شهروند فعال

کد/سوال	نقش معلم، نقش دانش‌آموز، فضای آموزشی و عوامل دیگر در این میان چیست؟
۱	دانش‌آموز و معلمان در طراحی و اجرای هر چه بهتر برنامه‌ی درسی شهروندی باید نقش داشته باشند. معلم و دانش‌آموز به‌عنوان یکی از منابع مهم تصمیم‌گیری است. برنامه‌ی درسی پنهان، نقش اساسی در تربیت شهروندی دارد. در فضای آموزشی، ترتیب نشستن افراد باید به‌گونه‌ای باشد که فضا برای چرخیدن در اطراف کلاس برای دیدن همه‌ی افراد وجود داشته باشد.
۲	معلم از کسانی است که دانش‌آموز می‌تواند از تجربیاتش استفاده کند. معلم راهنما و هدایت‌گر است. دانش‌آموز باید فعالانه در امر یادگیری مشارکت کند. فضای کلاس و چیدمان کلاس باید تعامل و رودررویی بیشتری بین دانش‌آموزان با یکدیگر و معلم فراهم شود. کلاس‌ها به صورت U شکل یا دایره‌ای

	شکل باشد.
۳	معلم نقش راهنما و تسهیل‌گر و هدایت‌گر را دارد. منبع قدرت معلم نیست. معلم به رشد دانش‌آموز کمک می‌کند. دانش‌آموز هم نقش فعال در کلاس درس دارد. فضای آموزشی باید فراهم‌آورنده‌ی جو فعال و توأم با صمیمیت بین دانش‌آموزان باشد. رقابت سالم در کلاس برقرار شود.
۴	معلم از طریق مشارکت دادن دانش‌آموزان و تأکید بر ۳ حیضی شناختی و عاطفی و روان-حرکتی می‌تواند در جهت شهروند فعال حرکت کند. معلم نقش راهنما دارد. مسئله را طرح می‌کند و دانش‌آموز باید همه‌ی توانایی‌اش را در جهت آن مسئله به‌کار گیرد. آموزش رسمی و غیررسمی در کنار همدیگر باید قرار گیرند تا تربیت شهروند فعال امکان‌پذیر باشد.
۵	معلم نقش بی‌بدیل در فرایند تربیت شهروندی دارد. معلم دو نقش راهنمایی و تسهیل‌گری را دارد. دانش‌آموزان هم باید نقش به‌سزایی در فعالیت‌های کلاسی و در یادگیری داشته باشد. فضای آموزشی هم باید تعاملی باشد.
۶	معلم: آگاهی از حقوق افراد، آگاهی به نیازهای دانش‌آموزان و توجه به ویژگی‌های فردی، نقش راهنما و هدایت‌گر. دانش‌آموز: آگاهی از نحوه‌ی به‌دست آوردن اطلاعات، آگاهی از قوانین و مقررات اجتماعی، آگاهی از حقوق شخصی و ... فضای آموزشی باید پویا و فعال باشد.

سؤال ۲: اهداف تربیت شهروندی فعال برای برنامه‌ی درسی دوره‌ی راهنمایی چه می‌باشند؟ در بحث اهداف، از آنجایی که مخاطب این پژوهش، دانش‌آموز دوره‌ی راهنمایی است، آگاهی و آشنایی با ابعاد شخصیتی او بسیار ضرورت دارد. همان‌طور که همه‌ی مصاحبه‌شوندگان این دوره و همچنین مصاحبه‌شونده‌های ۱ و ۳ بیان کرده‌اند: «از آنجایی که اهداف تربیت شهروندی بایستی حیطه‌های سه‌گانه شناختی، عاطفی و روان-حرکتی را در نظر داشته باشد؛ با توجه به این پیش‌فرض، شناخت ابعاد شخصیت فرد ضرورت دارد».

و همه‌ی مصاحبه‌شوندگان، تقریباً به‌صورت هماهنگ به مؤلفه‌های گوناگونی که در اهداف تربیت شهروندی باید نمود داشته باشد، اشاره کرده‌اند از جمله پژوهش‌گر بودن، مسئولیت‌پذیری، عهد و مشارکت، خلاقیت و انتقادپذیری، آگاهی به مسائل اجتماعی و ... که تمامی این اهداف در هر سه حیطه بایستی مدنظر قرار گیرند.

همان‌طور که در نمودار بالا دیده می‌شود، اهداف با توجه به رویکرد فعال در هر سه حیطه‌ی در نظر گرفته شده و متناسب با هر حیطه، عوامل گوناگونی در زیرمجموعه‌ی حیطه‌ها قرار می‌گیرد. لازم به ذکر است در زیر هر سوال پژوهشی، علاوه بر نمودار جداول، خلاصه اندیشه‌های صاحب‌نظران پیرامون سوال مربوطه آورده شده است.

جدول ۳ - خلاصه اندیشه‌های صاحب‌نظران درباره‌ی اهداف تربیت شهروندی فعال

کد/سوال	اهداف در برنامه درسی برای تربیت شهروندی فعال در دوره‌ی راهنمایی چه مواردی باید باشد؟
۱	پژوهش‌گر بودن، منتقد و پرسشگر بودن، مسئولیت‌پذیر بودن، خلاق بودن، نگاه متکثر داشتن، مشارکت جو بودن و ...
۲	قانون‌مداری، خردورزی، شایسته‌سالاری، تعهد نسبت به وظایف، توجه به تجربه و آزمون‌پذیری و ...
۳	آگاهی نسبت به حقوق شهروندی و حقوق طبیعی و زیستی اجتماعی و سیاسی - شهروند‌های ما فقط شهروند جامعه نیستند، بلکه شهروند جهانی است - گفت‌وگو و آمادگی برای وارد گفتگو شدن با قومیت‌های دیگر و در نظر گرفتن حقوق آنها.
۴	متعهد، مسئولیت‌پذیر، قانونمند، سازگار، آگاه، خلاق، منتقد، علاقمند به مشارکت در امور اجتماعی سیاسی و مذهبی و ...
۵	فرد بتواند در زمینه‌های دینی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، زیباشناسی، فرهنگی مطابق با نظام معیار اسلامی به بلوغ کامل برسد.
۶	دانایی محوری، وطن‌دوستی، قانون‌مداری، مسئولیت‌پذیری و تعهد، مشارکت، انتقادپذیری، خلاقیت، آگاه به مسائل اجتماعی و ...

سؤال ۳: رئوس محتوای مطلوب تربیت شهروندی فعال برنامه درسی چه می‌باشد؟
محتوای برنامه‌ی درسی باید برگرفته از اهداف باشد، همان‌طور که شماره ۱ و ۲ اشاره کرده‌اند: «محتوای یادگیری باید متناسب با اهداف یادگیری انتخاب شوند، از آنجایی که رویکرد پیشرفت‌گرای تربیت شهروندی، دلالت‌ها و اهداف ویژه‌ای را دنبال می‌نماید، محتواهای یادگیری نیز بایستی فعالیت‌ها و فرصت‌هایی را ارائه کنند که به تحقق آن اهداف کمک نمایند».

همان‌طور که تمامی مصاحبه‌شوندگان نیز بر این نکته که «تربیت شهروندی از لحاظ محتوایی با توجه به سه حیطة شناختی، عاطفی و روان - حرکتی باید صورت بگیرد».
همچنین تمامی مصاحبه‌شوندگان نیز بر این نکته تاکید کرده‌اند که «تربیت شهروندی باید در محتوای همه‌ی کتاب‌ها مثل علوم، ریاضی، هنر، ورزش و ... باشد و محدود به علوم اجتماعی نشود، چون مبحث تربیت شهروندی چند بعدی است».

در ادامه شماره ۵ و شماره ۶ نیز به این نکته «تربیت شهروندی فقط در محتوای رسمی کتاب نمی‌گنجد، بلکه به صورت محتواهایی که در قالب سایر رسانه‌های اطلاعاتی و ارتباطی باشد نیز می‌تواند باشد».

جدول ۴- خلاصه اندیشه‌های صاحب‌نظران درباره‌ی محتوای تربیت شهروندی فعال

کد/سوال	محتوای برنامه درسی برای تربیت شهروند فعال در دوره راهنمایی تحصیلی چه چیزهایی باید باشد؟ آیا استفاده از برنامه‌ی درسی میان‌رشته‌ای و تلفیقی می‌تواند به مقوله‌ی شهروندی بپردازد؟
۱	از آنجایی که رویکرد پیشرفت‌گرای تربیت شهروندی، دلالت‌ها و اهداف ویژه و خاصی را دنبال می‌کند و محتواهای یادگیری نیز باید فعالیت‌ها و فرصت‌هایی را ارائه کنند که به تحقق آن اهداف کمک نمایند. محتوا تدارک‌دهنده فرصت‌های مشارکت، همگام شدن با تحولات و کسب پتانسیل‌های ایجاد تغییر و نوآوری می‌باشد. قسمت دوم: بله
۲	تربیت شهروندی از لحاظ محتوایی با توجه به سه حیطة‌ی شناختی، عاطفی، روان- حرکتی باید صورت گیرد. یعنی محتوا باید شامل دانش‌هایی باشد که فرد با کسب آنها بتواند، برای انجام تکالیف شهروندی‌اش دانش کافی را کسب کند. محتوا حامل روش‌هایی باشد که بتواند مهارت‌های عملی کافی را برای احقاق حقوق خود انجام دهد و محتوا باید در راستای ایجاد نگرش‌هایی باشد که فرد را علاقه‌مند به مشارکت در امور مدنی و ترغیب کند. قسمت دوم: بله
۳	در محتواهای دروس موجود مباحث مربوط به تربیت شهروندی گنجانده شود، مثل حقوق که در درس علوم اجتماعی گنجانده شود، تاریخ، جغرافیا، هنر هم زمینه مناسبی را برای پرورش تربیت شهروند فعال آماده می‌کنند. قسمت دوم: بله
۴	تربیت شهروندی در تمام دروس باید مطرح شود و محدود به درس علوم اجتماعی نیست. چون چندبعدی است. قسمت دوم: بله
۵	محتوا باید با توجه به اهداف در نظر گرفته شوند و محتواها به صورت مکتوب فقط نمی‌تواند باشد هم به صورت رسمی مکتوب و هم غیرمکتوب از طریق سایر رسانه‌های اطلاعاتی، سایر نهادها در کنار آموزش و پرورش به این مقوله بپردازند.
۶	تغییر در محتوای کتاب علوم اجتماعی مربوط به تربیت شهروندی مشاهده می‌شود. در کنار فعالیت‌ها و اقدامات مربوط به نظام آموزش و پرورش، فعالیت‌های مرتبط با آموزش و پرورش غیررسمی نیز قابل توجه است.

سؤال ۴: روش‌های مطلوب تدریس و ارزشیابی برنامه‌ی درسی تربیت شهروندی فعال

چه می‌باشند؟

در رابطه با روش‌های تدریس از شماره ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۶ به روش‌های تدریس «فعال و مشارکتی، کار عملی- گروهی، اکتشافی، مبتنی بر گفتگو، حل مسئله، پرسش و پاسخ، گردش علمی و ... تأکید داشته‌اند.» اشاره کرده‌اند.

مصاحبه‌شونده‌ی شماره ۵ در این رابطه بیان کرده است: «به‌طور طبیعی، نمی‌توان یک

نوع روش تدریس واحد توصیه کرد. روش تدریس با توجه به شرایط و امکانات، ساخت

شناختی فراگیران، میزان سن و درک فراگیران ارتباط دارد؛ یعنی در هر کدام از شرایط متفاوت، می توان روش تدریس مربوط به خودش را توصیه کرد.»

در رابطه با شیوه های ارزشیابی نیز شماره ۲ و شماره ۵ هم نظر بوده اند، همان طور که شماره ۲ بیان کرده است: «آن شیوهی ارزشیابی را بیشتر مورد تأکید قرار داد که رشد همه جانبه فرد را بسنجد، چون برنامه ی درسی مبتنی بر تربیت شهروندی، برنامه ی درسی موضوع مدار یا دیسپلینی نیست، بلکه بیشتر برنامه درسی فردمدار و جامعه مدار است، پس باید در ارزشیابی معلوم شود که فرد مهارت های فردی و جمعی لازم برای زندگی در یک جامعه ی مدنی را در عمل دارا شده است» و شماره ۵ بیان می دارد که: «ما باید به دنبال ارزشیابی های توانمندساز باشیم، یعنی فرد بتواند فراگرفته هایش را در زمینه ی تربیت شهروندی بروز دهد و ما بتوانیم فرد را در فرایند ارزشیابی توانمندتر کنیم. در واقع ارزشیابی باید به گونه ای باشد که فرد بازخورد فعالیت های خود را ببیند یعنی فرد به خودکنترلی برسد.»

شماره ۶ نیز بیان کرده است: «آن نوع شیوه ی ارزشیابی برای تربیت شهروندی فعال را مفید می داند که بر مبنای سطوح بالای یادگیری یعنی تجزیه و تحلیل، ترکیب و ... صورت گیرد.»

تمامی مصاحبه شوندگان به شیوه های ارزشیابی مثل خودارزشیابی، مشاهده ی عملکرد و ... اشاره کرده اند. یعنی ترکیبی از ارزشیابی های کمی و کیفی را مدنظر داشته اند. اما برای تربیت شهروندی فعال، روش های کیفی مؤثرند.

جدول ۵- خلاصه اندیشه‌های صاحب‌نظران درباره‌ی روش‌های تدریس تربیت شهروندی فعال

کد/سوال	چه روش‌های تدریسی از دیدگاه شما برای تربیت شهروند فعال در دوره راهنمایی باید اجرا شوند.
۱	با به‌کارگیری رویکرد مشارکتی تدریس و روش‌های موجود در این رویکرد نظیر جیک سا و روش خواندن و نوشتن تلفیقی روش آموختن با هم، روش تفحص گروهی و ... می‌توان رویکرد پیشرفت‌گرای (فعال) تربیت شهروندی را پیاده کرد.
۲	کلیه روش‌های تدریسی که کمک به مشارکت و فعالیت و اظهار نظر دانش‌آموز می‌کند، می‌توانند در برنامه‌ی درسی تربیت شهروندی مفید و موثر باشند.
۳	اکتشافی، مبتنی بر گفتگو، تیمی و مشارکتی، حل مسأله.
۴	هم روش‌های مستقیم، دادن آگاهی مستقیم، سخنرانی، پرسش و پاسخ، حل مسأله، بازدید از سازمان‌های مختلف جامعه و روش‌های فعال تدریس.
۵	روش تدریس تلفیقی که تلفیقی از روش‌های مختلف است را باید استفاده کرد که این به شرایطی که حاکم است و مولفه‌هایی که در انتخاب روش تدریس تأثیر دارد، برمی‌گردد (توجه به میزان درک و فهم و سن و ... دانش‌آموز لازم است)
۶	روش‌های مشارکتی و فعال که در آن دانش‌آموز درگیر یادگیری می‌شود و نقش فعالی در آن دارد و در تعامل با سایر دانش‌آموزان و معلم است، بسیار مفید است. همچنین روش بارش مغزی

جدول ۶- خلاصه اندیشه‌های صاحب‌نظران درباره‌ی روش‌های ارزشیابی تربیت شهروندی فعال

کد/سوال	شیوه‌های ارزشیابی مورد نظر شما که مقوله‌ی تربیت شهروندی را هم مدنظر داشته باشد چه نوع شیوه‌هایی است؟
۱	ارزشیابی نباید فقط محدود به آزمون یا ارزیابی پایانی باشد. مشارکت خود یادگیرنده نیز هم در ارزشیابی برنامه و هم در ارزشیابی عملکرد شهروندی مورد تأکید قرار گیرد. خود ارزشیابی مورد تأکید قرار گیرد.
۲	استفاده از شیوه‌های متنوع و متفاوت ارزشیابی هم عملی و هم نظری و آن شیوه ارزشیابی را بیشتر مورد تأکید قرار دهیم که رشد همه جانبه فرد را بسنجد. در ارزشیابی معلوم شود که فرد مهارت‌های فردی و جمعی لازم برای زندگی در یک جامعه مدنی در عمل دارا شده است.
۳	ارزشیابی کیفی بهتر از کمی است. خود ارزیابی مدنظر است. ارزشیابی کیفی با روش‌های فعال یادگیری و مشارکتی بسیار متناسب است.
۴	قسمتی از ارزشیابی بنمره درس به صورت کتبی است اما قسمتی دیگر حل مسائل اجتماعی. ارزشیابی در هر سه حیطه شناختی، عاطفی و روان- حرکتی باید صورت گیرد.
۵	ارزشیابی‌ها باید توانمندساز باشد. در طی فرایند ارزشیابی بتوانیم نقاط ضعف فرد را به گونه‌ای گوشزد کنیم که باعث توانمندی و تقویت نقاط قوت دانش‌آموز شود. و آزمون‌های عملکردی مفیدند. فرد نهایتاً به خودکنترلی برسد.
۶	ارزشیابی باید بر مبنای سطوح بالای یادگیری (تجزیه و تحلیل و ترکیب و ...) صورت گیرد و ارزشیابی پژوهش محور مورد تأکید است.

سؤال ۵: مهم‌ترین اصول برنامه‌ی درسی تربیت شهروندی فعال چه می‌باشد؟
با توجه به نظرات صاحب‌نظران و اندیشه‌های آنها درباره‌ی عناصر گوناگون برنامه‌ی درسی (اهداف، محتوا، روش‌های تدریس و شیوه‌های ارزشیابی و ...) می‌توان مهم‌ترین اصول برنامه‌ی درسی تربیت شهروندی فعال را به شرح زیر بیان نمود:
بایستی:

- احساس هویت و اعتماد به نفس را از طریق احترام گذاردن به فرد و مهم شمردن او و نظراتش در او ایجاد کرد.
- اعتقاد به توانایی‌های خود داشته باشد و بداند که به‌عنوان عضوی از اجتماع می‌تواند تأثیرگذار باشد.
- توانایی بحث و گفتگوی کارآمد اثربخش را با دیگران داشته باشد.
- از تنوعات فرهنگی و ارزش‌ها و ... آگاهی داشته باشد و سعی در شناخت بیشتر آنها داشته باشد.
- حس مسئولیت-پذیری و حس همکاری و تعاون در آنها قوی باشد.
- فرصت تفکر خلاق از طریق ایجاد موقعیت مبهم و معماگونه در دانش‌آموزان به‌وجود آورد.
- از روش‌های تدریس فعال و مشارکتی، مبتنی بر گفتگو و مباحثه حل مسئله استفاده گردد تا زمینه‌ی بروز استعدادهای نهفته دانش‌آموزان فراهم گردد.
- در محتوای تمامی کتب بنا به موضوع، درباره شهروندی، حقوق و وظایف شهروند و ... بحث کرد.
- معلم نقش هدایتی و راهنمایی خود را به نحو مطلوبی ایفا کند.
- بمعلم در تعیین قوانین و مقررات کلاس از دانش‌آموزان یاری طلبد.
- ارزیابی از یادگیری دانش‌آموز به کمک خودش صورت گیرد.
- از شیوه‌های مختلف ارزشیابی کیفی و کمی استفاده گردد.
- محیط کلاس، سرشار از صمیمیت و امنیت باشد.
- دانش‌آموزان را تشویق کرد تا اندیشه و فکرشان را در کلاس به‌راحتی بیان کنند.
- دانش‌آموزان را به پذیرش نظرات مخالف منطقی و انعطاف پذیر بودن تشویق کرد.
- به دانش‌آموزان آموخت که همیشه جانب عدالت و انصاف را رعایت کنند و به حقوق دیگران احترام بگذارند.

- به دانش‌آموزان کمک کرد تا نسبت به جامعه، نوع حکومتی که در آن زندگی می‌کنند و ارزش‌های جامعه‌ی خود آگاهی کامل پیدا کرده و نسبت به جریان‌ها و رویدادهای مهمی که در جامعه اتفاق می‌افتد بی‌تفاوت نباشند.
- به دانش‌آموزان آموخت چگونه می‌توانند در فرایندهای دموکراتیک حضور فعال داشته باشند.
- به دانش‌آموزان آموخت که از طریق رأی دادن در انتخابات و ... می‌توانند حق خود را ادا کنند.
- به دانش‌آموزان دانش، مهارت و نگرش جهانی اندیشیدن و عمل کردن را آموخت.
- به دانش‌آموزان توانایی چگونگی کاربرد فناوری اطلاعات را آموخت.
- به دانش‌آموزان آموخت که در عصر فناوری اطلاعات و ارتباطات هستند و نیاز به همگام شدن با پیشرفت روزافزون با جامعه جهانی روز به روز بیشتر حس می‌گردد و بسیاری از موارد و اصول دیگر که در اینجا به ذکر همین موارد اکتفا می‌کنم.

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه دوره‌ی راهنمایی در ایران بعد از دوره‌ی ابتدایی و قبل از دوره‌ی متوسطه قرار می‌گیرد، یعنی این دوره قبل از مرحله‌ی انتخاب رشته، انتخاب شغل و ... قرار دارد. ضرورت دارد این دوره به نحوی شایسته و موثر دانش‌آموز را در جهت یک شهروند مطلوب پرورش دهد که در این صورت می‌تواند زمینه‌ای بسیار مناسب برای دانش‌آموزی که این دوره را به پایان رسانده و به مرحله متوسطه وارد می‌شود، فراهم سازد. پس نیاز به آموزش صحیح و موثر، نیاز به وجود معلمان حرفه‌ای و کارآمد و دلسوز، نیاز به کادری فعال و اثر بخش، نیاز به والدینی صاحب مطالعه و مشتاق به پیشرفت فرزندان‌شان، نیاز به آموزش و پرورش آماده و برنامه‌ریز و هدفمند و نیاز به همگام شدن با پیشرفت علوم و تکنولوژی، نیاز به تخصیص اعتبارات کافی توسط دولت (با عنایت به اینکه هزینه در زمینه‌ی آموزش، خود نوعی سرمایه‌گذاری است) و ... مورد لزوم است. در این صورت است که می‌توان نوجوانان را به‌عنوان یک شهروند فعال تربیت نمود و به سمت آینده‌ای بهتر و موفق‌تر سوق داد. در حیطه‌ی برنامه‌ی درسی و در عناصر مختلف آن یعنی اهداف، محتوا، روش‌های تدریس، ارزشیابی و ... نیز باید به‌گونه‌ای طراحی و اجرا شوند که جوانب مختلف تولید و تربیت شهروند فعال را مدنظر قرار دهند.

در پاسخ به سؤال ۱: اهداف در برنامه‌ی درسی تربیت شهروندی فعال در دوره‌ی راهنمایی چه می‌باشند؟ می‌توان گفت: اهداف باید در هر سه حیطه‌ی شناختی، عاطفی و روان- حرکتی در نظر گرفته شوند، زیرا در این تحقیق رویکرد فعال مدنظر می‌باشد. پس باید ویژگی‌های گوناگونی مانند منتقد بودن، پرسشگر بودن، آگاه بودن به مسائل سیاسی و اجتماعی، آگاه بودن به حقوق و مسئولیت‌های شهروندی، مشارکت‌جو بودن، خلاق بودن و... که هر شهروند باید دارا باشد، در اهداف برنامه‌ی درسی تربیت شهروندی فعال لحاظ گردند. یافته‌های این پژوهش با نتایج تحقیقات قلتاش (Gholtash, 2009) و یآوری (Yavari, 2010) همخوانی دارد. البته مخاطب پژوهش در تحقیق قلتاش، برنامه‌ی درسی دوره‌ی ابتدایی و در تحقیق یآوری، دوره‌ی متوسطه بوده است.

در پاسخ به سؤال ۲ پژوهشی: رئوس محتوای مطلوب تربیت شهروندی فعال در برنامه درسی چه می‌باشد؟

در پاسخ به این سؤال نیز ضمن توجه به این نکته که محتوا باید با توجه به اهداف یادگیری در نظر گرفته شوند، یعنی محتوا باید فرصت‌هایی را ارائه کنند که به تحقق اهداف منجر شوند. پس محتوا باید در هر سه حیطه‌ی کسب دانش، کسب توانش و کسب نگرش مطرح گردند و در این میان می‌توان از رویکردهای تلفیقی و شیوه‌های سازماندهی میان‌رشته‌ای، مدل تار عنکبوتی و... نیز استفاده نمود.

در رویکرد فعال تربیت شهروندی، در محتوای کتاب‌های درسی باید مطالبی را بگنجانیم که با توجه به عصر جهانی شدن و گسترش ارتباطات و اطلاعات، در برگیرنده‌ی محتوا و دانشی باشد که افراد را در پژوهشگر بودن، مفسر و منتقد بودن و دیدن راه‌های مختلف عمل و ارزیابی آنها توانمند سازد. علاوه بر این باید در محتوا بر شناخت و پیگیری حقوق و مسئولیت‌های شهروندی بپردازد. به عبارتی به رشد صلاحیت‌ها و توانمندی‌های دانش‌آموزان برای مشارکت فعال در زندگی مدنی و شهروندی از اهداف اولیه و اساسی است.

بنابراین در کلاس‌های درس، علاوه بر توجه به ارتقای دانش و نگرش‌ها، توجه به فرآیند و فعالیت کلاس باید در پی ایجاد فرصت‌های مفید برای مشارکت و فعالیت فراگیران در کلاس درس و خارج از کلاس درس باشد تا شهروندی فعال را تجربه نمایند. در سازماندهی محتواهای یادگیری نیز بایستی رویکرد تلفیقی مدنظر باشد، در مجموع رویکردهای تلفیقی در پی این هستند که با ارائه‌ی سازماندهی خاصی از آموزش، فرصت‌هایی را برای فراگیران فراهم سازند تا با اصول، روش‌ها و موضوعات متنوع در

قلمروهای متعدد آشنا شوند و این البته به معنای نفی محاسن و فواید نظام‌های رشته‌ای نیست.

در پاسخ به سوال ۳ پژوهشی: روشهای مطلوب تدریس و ارزشیابی برنامه‌ی درسی تربیت شهروندی فعال چه می‌باشند؟

در رابطه با قسمت اول سؤال، مهم‌ترین یافته در رابطه با روش‌های مطلوب تدریس برای تربیت شهروندی فعال تأکید بر استفاده از شیوه‌های فعال و مشارکتی تدریس، روش‌های جستجو و حل مسئله، پرسش و پاسخ، روش بارش مغزی، یادگیری اکتشافی و... می‌باشد.

معلمان باید فعالیت‌های یادگیری از طریق تعاملی را به گونه‌ای سازمان دهند که دانش‌آموزان حقیقتاً به یکدیگر وابسته باشند و هیچ یک از اعضای گروه نتواند موفق شود مگر این که تمام اعضا موفق شوند. لذا در این روش‌ها جنبه‌های منفی رقابت دانش‌آموزان از بین می‌رود.

دی (Dee, 2004) بیان داشته در راستای تربیت شهروندی روش‌های تدریس، باید به گونه‌ای باشند که تفکر انتقادی و مشارکت شهروندان را در بین دانش‌آموزان اشاعه دهند و این امکان را به طور گسترده برای دانش‌آموزان فراهم سازند تا در مسائل اجتماعی، سیاسی، تکنولوژیکی ارزیابی آگاهانه‌تر داشته باشند.

در رابطه با قسمت دوم سؤال، یعنی شیوه‌های ارزشیابی مطلوب برای تربیت شهروندی فعال نیز می‌توان گفت: با توجه به اینکه برای تربیت شهروند فعال رویکرد فعال مدنظر قرار می‌گیرد و ارزشیابی تربیت شهروندی فعال بر الگو یا مدل ترکیبی از ارزشیابی کیفی و کمی اشاره دارد که ارزشیابی کیفی به خودارزشیابی، ارزشیابی پژوهش محور، مشاهده عملکرد و... اشاره دارد و ارزشیابی کمی نیز آزمون‌های قلم کاغذی یا آزمون‌های استاندارد و پیشرفت تحصیلی و... مدنظر قرار می‌دهد.

یعنی در واقع ارزشیابی تربیت شهروندی به صورت مداوم و تکوینی از میزان پیشرفت فراگیران در ابعاد دانش، نگرش و توانش می‌باشد. قلمرو ارزشیابی فقط محدود به حیطه‌ی شناختی نیست، بلکه حیطه‌های عاطفی و مهارتی را نیز شامل می‌شود.

استفاده از ارزشیابی کیفی در محتوای برنامه‌های درسی و ضرورت سمت‌گیری به سوی تفکر خلاق، مهارت‌های حل مسئله، تفکر، نقادانه، یادگیری ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی و... لازمه‌ی یک آموزش و پرورش پویا است که چگونه جامعه را به سوی ترقی و رشد و پیشرفت همه جانبه به حرکت درآورد.

سؤال ۵ پژوهشی: مهم‌ترین اصول برنامه درسی تربیت شهروندی فعال چه می‌باشند؟ همان‌طور که پیش از این نیز ذکر گردید، چون بحث تربیت شهروند فعال در نظر است، باید اصولی را برای آن در عناصر گوناگون برنامه‌ی درسی مدنظر قرار داد که تربیت چنین شهروندانی را امکان‌پذیر نماید. در زیر به‌اختصار چندمورد از این اصول را مطرح می‌کنیم:

بایستی:

- احساس هویت و اعتماد به نفس را از طریق احترام گذاردن به فرد و مهم شمردن او و نظراتش در او ایجاد کرد.

- حس مسئولیت‌پذیری و حس همکاری و تعاون در آنها را قوی نمود.

- فرصت تفکر خلاق از طریق ایجاد موقعیت مبهم و معماگونه در دانش‌آموزان به وجود آورد.

- از روشهای همیاری گروهی استفاده نمود.

- ارزیابی از دانش‌آموز به کمک خودش صورت گیرد.

- محیط کلاس امن و سرشار از صمیمت و آزادی بیان باشد.

- باید حق و حقوق شهروندی دانش‌آموزان را به آنها شناساند.

- به دانش‌آموزان آموخت که چگونه می‌توانند در فرایندهای دموکراتیک شرکت نمایند و حضوری فعال داشته باشند و مواردی دیگر که به همین میزان اکتفا می‌کنیم.

سؤال اصلی پژوهشی: چارچوب برنامه درسی تربیت شهروندی فعال چگونه است؟

برای تدوین یک چارچوب برای برنامه‌ی درسی تربیت شهروند فعال، باید کلیه عناصری که در بالا مورد بحث و تفسیر قرار گرفته‌اند، به ترتیب اهداف، محتوا، روش‌های مطلوب تدریس، شیوه‌های ارزشیابی تربیت شهروندی فعال را در کنار یکدیگر قرار داد. زیرا تمامی عناصر فوق با یکدیگر ارتباط دارند و این ارتباط متقابل است.

لذا برای تدوین چنین چارچوبی به‌طور مثال در عنصر اهداف در ذیل هر سه حیطه مولفه‌های گوناگونی قرار گرفته‌اند. مثلاً در حیطه‌ی شناختی: آگاهی از حقوق و مسئولیت‌های شهروندی، آگاهی از فرهنگ‌های مختلف و میراث فرهنگی و... در حیطه‌ی عاطفی: تمایل به رعایت قوانین و مقررات، منتقد بودن، علاقه به شناخت زبان‌های روز دنیا و... و در حیطه‌ی روان-حرکتی به وطن‌پرستی، مشارکت داشتن در امور اجتماعی، سیاسی، گفتمان با قومیت‌های دیگر و... می‌توان اشاره کرد. در زیر مجموعه‌ی اهداف، محتوای برنامه درسی تربیت شهروندی فعال قرار می‌گیرد و بعد از آن شیوه‌های تدریس و

ارزشیابی مطلوب تربیت شهروندی فعال که در قبل به آنها اشاره شد آورده شده است و در ادامه به نقش معلم و دانش‌آموز به نقش فضا و محیط یادگیری اشاره شده است.

برای مثال در رابطه با نقش معلم می‌توان بیان داشت که تفویض اختیار به معلمان آنگاه تحقق می‌یابد که آنها فرصت خلق و آفرینش معنا و مفهوم در مدارس خود را داشته باشند. در مقابل معلمان فاقد قدرت و اختیار افرادی هستند که به‌گونه‌ای تدافعی به فعالیت مشغولند و سعی می‌کنند تا با دانش‌کنترلی خود، دانش‌آموزان را نیز کنترل نمایند. مسئله‌ی دیگری که در تربیت شهروندی فعال باید در نظر گرفته شود، تربیت معلم و آمادگی معلمان برای تربیت شهروندی است. گفته شده است که عدم آمادگی معلمان به حد کافی برای آموزش جهانی و مطالعات بین‌المللی، به‌عنوان یک مانع اصلی در رویارویی با چالش سیاسی- اجتماعی- اقتصادی دنیای امروز است. در زمان کنونی بیش از هر چیزی از معلمان انتظار می‌رود که مفسران فرهنگی باشند. بیشتر از اینکه انتقال دهندگان دانش و یا مدیریت‌کنندگان فضای اطلاعاتی یا تسهیل‌گران آموزشی باشند. چنان‌که تاکنون این‌طور بوده است و بیشتر تأکید بر آن است که آنها عمیقاً آموزش ببینند تا به شیوه‌ای عمل کنند که در عرض دیسپلین‌های مختلف و در عرض فرهنگ‌ها و مرزهای ملی صحبت کنند.

در رابطه با نقش دانش‌آموز، فرصت‌هایی جهت مشارکت دانش‌آموزان در مدرسه را می‌توان به‌صورت‌های زیر تدارک دید:

۱. مشارکت در گروه‌های رسمی تصمیم‌گیری (انجمن و شوراهای مدرسه)
۲. مشارکت در انجمن‌های دانش‌آموزی (شورای نمایندگان دانش‌آموزی)
۳. مشارکت در تصمیمات برنامه‌ریزی درسی و اجرای آنها در کلاس (مذاکره و گفتگو درباره‌ی انجام پروژه‌های مطالعاتی خاص در کلاس درس)

در زمینه‌ی نقش محیط یادگیری و فضای آموزشی نیز می‌توان گفت: محیط یادگیری بخشی از فرایند یادگیری است و معلمان و دانش‌آموزان نمی‌توانند از تأثیرات آن بدور باشند.

روس (Ross, 1998) معتقد است که سازماندهی، تنظیم و آرایش فضای فیزیکی کلاس، مطمئناً می‌تواند تأثیرات مهمی بر نگرش رفتار و حتی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان داشته باشد. تأثیر فضای فیزیکی در موقعیت‌های یادگیری یکی از موضوعات مهم و اساسی است، اما اغلب نقش و تأثیر آن نادیده انگاشته می‌شود.

پس با توجه به مباحث مطرح شده در رابطه با عوامل گوناگون دخیل در تربیت شهروندی فعال، می‌توان گفت که شهروندی فعال ترکیبی از فعالیت‌های دسته جمعی و فردی است که در آن حس مسئولیت اجتماعی نسبت به دیگران یا در مقابل دیگران دیده می‌شود. یک شهروند خوب زمانی که احساس می‌کند لازم است چیزی را تغییر دهد یا تفاوتی ایجاد کند، خواه این عمل فردی باشد، خواه گروهی و برای پاسخ‌دهی به این احساس اقدام می‌نماید، او به یک شهروند فعال تبدیل شده است.

Archive of SID

Reference:

- Dee, T.S. (2004) .Are there civic Return to Education? International Journal of Educational Research. Vol. 88, No 9-10.
- Diba, T.(2003).Investigating Qualities of a Good Citizen for the Iranian Society and Adaptation of School Text Books with these qualities. Unpublished M.A Thesis. Tehran Islamic Azad university, science and Research Branch.
- Ghaedi, Y.(2006).Future Citizens Education. Review Quarterly Journal of Educational Innovation .5 (17) , 183-209.
- Gholtash, A. (2009). The Study of citizenship Education Approaches in Elementary school curriculum of Iran and Design a model of citizenship Education curriculum. Ph.D. thesis, unpublished, Islamic Azad University, Khorasgan Branch.
- Kerr, D. (2002). An International review of citizenship in the curriculum: the IEA national case study and the INCA Archive.
- Kerr, D. and Cleaver. E. (2004) citizenship education longitudinal study: literature Review- citizenship education one year on what does it mean? National Foundation for Education Research .Research Report .RR 332.
- Kiely, R (1998) . Globalization and the Third World. Rutledge: London EC 4P, first published
- Patrick, J. (2000). Achievement of knowledge by high school students in core subjects of the social studies. Retrieved .March 2010 from www.eric.ed.gov.
- Ross, j (1996). Teaching Problem Solving. Toronto: the Ontario Institute for studies in Education.
- Sears, A, and Hebert, Y. (2005).Citizenship Education .Canadian Education Association .In www.Cea-ace- CA/ median/ citizenship education.
- Yavari, Z.(2010). Setting goals for citizenship education curriculum in secondary school. M.A Thesis, Unpublished, Islamic Azad University , Khorasgan Branch.